

عنوان مقاله:

تقابل دو دیدگاه : انسان در معماری اسلامی، انسان در معماری امروز

محل انتشار:

دومین همایش ملی معماری و شهرسازی اسلامی (سال: 1392)

تعداد صفحات اصل مقاله: 10

نویسندگان:

مهديه صابرنيا - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری تکنولوژی پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران

صبا سلطان قرائی - دانشجوی کارشناسی ارشد معماری منظر پردیس هنرهای زیبای دانشگاه تهران

خلاصه مقاله:

اذ قال ربك للملائكة إني جاعلٌ في الأرض خليفة ... (البقره : 30) چون پروردگارت به فرشتگان گفت : من در زمین خلیفه ای می آفرینم... معماری و شهرسازی اسلامی در مفهوم، عملکرد، سازگاری با طبیعت و ... دارای کیفیت های بی نظیری است که در ساخت و ساز های امروزه شهرهای ما که عمدتاً به سبک مدرن طراحی می شوند، کمتر دیده می شوند . این کیفیت ها متأثر از عوامل بسیاری نظیر فرهنگ ساخت و ساز و جهان بینی معمار و ... بوده است. یکی از این عوامل که میتوان آن را چارچوب های مفهومی معماری اسلامی به شمار آورد نوع نگاه اسلام به انسان است که در معماری نیز جلوه می کند. در معماری اسلامی انسان به عنوان خلیفه خدا و دارای مسولیت های معنوی در نظر گرفته می شود که می توان آن را متضاد با دید معماری مدرن به انسان که عقل و منطق و وجود جسمانی انسان را اصل قرار می دهدپنداشت . تفاوت در این دو نوع نگرش می تواند یکی از عوامل تفاوت در کیفیت فضاهای خلق شده در معماری باشد. در معماری اسلامی به انسان به عنوان خلیفه خدا روی زمین نگریسته می شود که در کار ساخت و برپایی آثارمعماری، مسجد، خانه، مدرسه و ... باید هماهنگ با اجزای هستی و مطابق با قوانین و الگوهای طبیعت به عملکرد و سودرسانی و توجه به خالق بپردازد و توجه خود را به زمان و استفاده بهینه از ودیعه های خدا معطوف کند نه مطرح کردن خود. همین است که در معماری اسلامی آنچه اهمیت دارد پاسخگویی بنا نسبت به عملکرد معماری و احترام به قوانین الهی است نه سازنده آن . درواقع بناهای طراحی شده نشانه های بزرگی و عظمت انسان ساخت خدا در امتداد طبیعت که از آیات خداست به شمار می رود . طبیعت در معماری اسلامی ودیعه خدا به انسان است تا هماز آن بهره ببرد و هم در مقابل حوادث و خسارات طبیعی خود را حفظ کند. در معماری مدرن، بحث انسان مداری مطرح است ولی به انسان به عنوان موجودی با یکسری نیازهای جسمانینگریسته می شود که در صورت پاسخگویی به آن ها، معماری وظیفه خود را به نحو مطلوبی انجام داده است . طبیعت نیز تحت سلطه انسان است که باید تا حدی لازم است از آن بهره برد . در واقع نگرش مدرن عقل و منطقانسان مطرح است نه نیازهای روحی او . آنچه در نتیجه حاصل می شود ماشینی است که با طبیعت و نیازهای روحی انسان تعامل ضعیفی دارد. با مقایسه این دو نگرش می توان به تاثیرات دیدگاه اسلامی در مورد انسان و ساخته های او در زمین به عنوان خلیفه خدا در گسترش یک معماری پاسخ گو که در مرتبه متعالی از تعامل محیط اطراف و نیاز های روحی و معنوی انسان قرار دارد و دلایل پاسخ گو بودن آن پی برد. شاید بتوان با احیای این نگرش به انسان در معماری کیفیت موجود در معماری و شهرسازی اسلامی را به شهرهای امروزی بازگرداند

کلمات کلیدی:

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/289588>



